زیارات مسنون

**تألیف:**

**صادق رجبیان تمک**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | زیارات مسنون |
| **تألیف:**  | صادق رجبیان تمک  |
| **موضوع:** | عقاید کلام - بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت...) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | اسفند (حوت) 1394 شمسی جمادی الاول 1437 هجری |
| **منبع:**  | سایت عقیده www.aqeedeh.com |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

**تقدیم به:**

* تقدیم به زائرین مسجد سه‌گانه
* تقدیم به روح پدرم که آرزوداشت بنده درس دینی وحوزوی بخوانم.
* تقدیم به شهدای مردم فلسطین علی الخصوص شهید بزرگوار شیخ یاسین.

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc442681257)

[مقدمه 1](#_Toc442681258)

[مقصد از زیارت قبور 4](#_Toc442681259)

[اجازه زیارت برای زنان: 6](#_Toc442681260)

[اجازه زیارت برای مردان و زنان: 7](#_Toc442681261)

[در قبرستان نباید جزع و فزع کرد 9](#_Toc442681262)

[نهی و منع رسول الله از داد و فریاد (جزع و فزع): 9](#_Toc442681263)

[کسی که بر سر و صورت خود بزند، از ما نیست: 10](#_Toc442681264)

[ممنوعیت کندن مو هنگام مصیبت: 11](#_Toc442681265)

[زیاده روی در زیارت: 11](#_Toc442681266)

[از ساختن مسجد و درست کردن بنا، بر قبرها نهی و منع شده است 13](#_Toc442681267)

[حکم نماز خواندن به سوی قبر: 16](#_Toc442681268)

[سفر به قصد قبرها 17](#_Toc442681269)

[فضیلت نماز در مسجد الحرام و مسجد نبوی مدینه: 18](#_Toc442681270)

[فضیلت مسجد قبـا: 19](#_Toc442681271)

[چگونگی زیارت مسجد پیامبر**ص**: 21](#_Toc442681272)

[کارهایی را هنگام زیارت مسجدالنبی نباید انجام داد: 23](#_Toc442681273)

[فضیلت منزل و منبر رسول الله**ص**: 25](#_Toc442681274)

[زندگان با مردگان برابر نیستند 27](#_Toc442681275)

[آیا می‌توانیم از مردگان طلب شفاعت کنیم؟ 29](#_Toc442681276)

[وظایف پیامبران 34](#_Toc442681277)

[درگاه خداوند همیشه باز است 35](#_Toc442681278)

[با توجه به مطالب گذشته آیا می‌توان از کسی غیر از خدا (اعم از مرده و زنده) تبرک جست؟ 37](#_Toc442681279)

[منابع کتاب 42](#_Toc442681280)

مقدمه

إنَّ الحَمْدَ لِلّهِ نحمدهُ ونستعينهُ ونستغفرهُ ونعوذ باللهِ من شرور أنفسنا ومن سيّئاتِ أعمالنا، من يهده اللهُ فلا مضلَّ له ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا اللهُ وحده لا شريك له وأشهد أنَّ محمداً عبدهُ ورسوله صَلَّى اللهُ عليه وعلى آلِه وأصحابهِ وسلّم تسليماً كثيراً.

رسول اللهص فرموده‌اند: «صلّوا كَمَا رأيتُمُوني اُصَلِّي» (روایت امام بخاری).

یعنی «نماز بخوانید همانطوری که دیدید من نماز خواندم».

از مفهوم حدیث می‌فهمیم که رسول خداص خواسته که هر عبادتی، خواه نماز یا هر عبادتی که قصد قربت به خداوند باشد، مطابق سنت او باشد. آن روشی را که رسول خداص در تمامی عبادات اتخاذ کرده ما نیز به تبعیت از آن حضرت، روش او را در تمامی عبادات بکار ببریم، تا عبادت ما خالص و صحیح باشد، (عبادت خالص، عبادتی است که فقط برای خدا باشد و عبادت صحیح عبادتی است که بر اساس سنت باشد).

باز رسول خداص می‌فرماید:

«كلكم يدخل الجنّة إلاّ من أبي، قالوا: ومن يأبى يا رسول الله؟ قال: من أطاعني دخل الجنَّة ومن عصاني فقد أبى». (روایت امام بخاری). یعنی «همه شما به جنت می‌روید، مگر کسی که ابا می‌ورزد،گفتند: (اصحاب) ای رسول خدا چه کسی ابا می‌ورزد؟ فرمود: کسی که مرا پیروی کرده به جنّت می‌رود و کسی که مرا نافرمانی (اعراض) کرده ابا (روی گردانی) نموده است».

پس هر کسی از رسول خدا اطاعت کند، اوست که هدایت یافته است و هرکس سنت او را کنار گذارد؛ راهی را در پیش گرفته که راه مؤمنان نیست و خدا آن کس را به جایی می‌برد که آن کس دوست دارد و او را به دوزخ می‌اندازد و جایگاه بسیار بدی است.

امروزه می‌بینیم بعضی از مسلمانان از راه و روش (سنت) رسول خداص دور افتاده‌اند و دارند سنت او را فراموش می‌کنند و یا اینکه راهی را طی می‌کنند که به روش رسول خدا نیست اینان نیز به خطا رفته‌اند و از صواب دور می‌گردند، یا اینکه روش یهودیان و مسیحیان را در زندگی خود پیاده و از آنان پیروی می‌کنند، یا فرهنگ غرب را ترجیح می‌دهند، رسول خدا مؤمنین را از مشابهت به یهودیان و مسیحیان نهی و منع کرده و می‌فرماید:

«لَيْسَ مِنّا مَنْ تَشَبَّهَ بِغَيْرنا، لاَ تَشَبَّهُوا باليهود ولا بالنَّصارى». (روایت ترمذی).

یعنی: «کسی که از غیر مسلمانان تقلید کند، از ما نیست، از یهود و نصاری (مسیحیان) تقلید نکنید».

باز رسول خداص فرموده‌اند: «وَمَنْ تَشَبَّهَ بِقَومٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»‌ (روایت ابوداود).

یعنی: «کسی که خود را شبیه به قومی سازد از آن‌هاست».

یکی از همین کارها طلب از مرده و مردگان است که عده‌ای از مسلمانان به تقلید از یهودیان و مسیحیان هنگام رفتن به زیارت و یا قبرستان انجام می‌دهند که نه رسول خداص فرموده و نه از صحابه کرامش ثابت گردیده است بعضی از مسلمانان دانسته و یا ندانسته روش یهودیان و مسیحیان را بر روش رسول خدا ترجیح می‌دهند؛ ما در این جستار (رساله) سعی کردیم در خصوص طریقه و روش زیارت، آنچه که از قرآن و سنت رسول خدا ص و از سیره صحیحه‌ی او که در کتب حدیث نگاشته شده است؛ استخراج و بدون هیچ غرض ورزی و بدور از هوی و هوس تدوین نماییم تا عموم برادران و خواهران مسلمان که قصد زیارت را دارند بدان صورت انجام دهند، تا خداوند متعال وعده خود را به آنان راست گرداند و اگر از روش و سنت پیامبر دوری کنند، وعده خداوند محقق نمی‌شود و به وعید خداوند گرفتار می‌شوند و ما از زمرۀ «هُمُ الْخاسِرُونْ» خواهیم بود.

صـــادق رجبیان تمک

رمضان 1425 هجری قمری برابر با آبان ماه 1383

مقصد از زیارت قبور

چنانچه کسی قصد زیارت قبور مردگان خود، یا کسانی دیگر از دوستان، آشنایان و یا صالحان را دارد، باید ببیند طریقه و روش زیارت قبور براساس قرآن و سنت پیامبرص چگونه است؟!.

اگر قصد زیارت را نموده، باید تأمل نماید که آیا اجازه زیارت دارد یا نه، اگر دارد، طریقه احسن آن چگونه است؟ ببیند روش پیامبرص و صحابه کرامش چگونه و به چه طریق بوده است، تا بداند موقع رفتن برسر قبر کسی چگونه آن را زیارت کند؟ آیا اجازه طواف دارد یا نه؟ آیا اجازه نشستن بر روی قبر دارد یا نه؟ مقصد از رفتن بر سر قبر چه است؟ آیا باید جزع و فزع (داد و فریاد) کرد، یا باید حالات پس از مرگ و عذابی که بعد از مرگ به سراغ هر انسان گناهکاری می‌آید یاد آوری کند، یا اینکه صبر و شکیبایی بکند! بنابراین چنانچه کسی قصد زیارت قبری را دارد، باید بیاندیشد و طریقه و روش زیارت را بداند و بهمان طریقه و روش زیارت عمل کند، تا خداوند از بنده زائر راضی و پاداش آن را در آخرت نصیب او گرداند. ان شاءالله!.

ما سعی کردیم، راه و روش درست و صحیح زیارت قبور را که از رسول خداص بر جای مانده در اینجا گردآوری نماییم، تا برادران و خواهران مسلمان آن را یک به یک دانسته و بر آن عمل کرده و به دیگران بیاموزند، هرگاه کسی به قصد زیارت بر سر قبری می‌رود ابتدا باید رو به روی قبر ایستاده سلام بفرستد و سپس برای میت دعای خیر کند. امام نووی در المجموع (5/311) می‌فرماید: امام ابوالحسن محمد بن محمد مرزوق زعفرانی که از علما و محققین است، در کتاب خود «الجنائز» می‌گوید: نباید قبر را با دست لمس کرد و نباید آن را بوسه زد. همچنین میگوید: در طول تاریخ، سنت ما این بوده که دست کشیدن بر قبور و بوسه زدن به آن‌ها، بگونه‌ای که امروزه در بین عامه مردم رواج دارد، شرعاً از بدعت‌های نکوهیده به شمار می‌رود، بهتر است که از آن اجتناب شود بنابراین هرکس می‌خواهد بر میتی سلام گوید، در برابر سینه و چهره‌اش ایستــاده سلام گوید و هر گاه می‌خواهد دعا کند از جای خود منتقل شده رو به قبله شود([[1]](#footnote-1)).

در این باره روایتی است:

از بریدهس روایت است که: پیامبر اکرمص به یاران خود یاد می‌داد، که هرگاه به زیارت قبور رفتند چنین بگویند: «السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَلاَحِقُونَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ فَنَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ»([[2]](#footnote-2)).

یعنی: «درود بر شما ای مؤمنان و مسلمانان ساکن این دیار (سرزمین)، بیگمان ما نیز ان شاءالله به شما می‌پیوندیم شما پیش قراولان و پیشروان ما هستید و ما هم به شما خواهیم پیوست، و از خداوند برای خود و شما در امان بودن از عذاب را مسئلت داریم»([[3]](#footnote-3)).

از ابن عباسب روایت است که: پیامبر اکرم ص از کنار گورستان مدینه می‌گذشت و بدانجا روی آورد و گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ، يَغْفِرُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ، أَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْأَثَرِ»([[4]](#footnote-4)).

یعنی: «درود بر شما اهالی گورستان، خداوند ما و شما را بیامرزد، شما پیشگامان ما بوده و ما به دنبال شما هستیم»([[5]](#footnote-5)).

از حضرت عایشهل روایت است که: هرشب که پیامبر در حجره من بود. پیامبرص آخر شب به گورستان بقیع می‌رفت و می‌گفت: «السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَأَتَاكُمْ مَا تُوعَدُونَ غَدًا مُؤَجَّلُونَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لاَحِقُونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لأَهْلِ بَقِيعِ الْغَرْقَدِ»([[6]](#footnote-6)).

یعنی: «درود بر شما ای خانه قوم مؤمنان آنچه که به شما وعده داده شده بود که فردا به شما می‌رسد اینک به شما رسیده است و بیگمان ما هم به خواست خدا به شما ملحق می‌شویم خداوندا مردگان گورستان بقیع را بیامرز»([[7]](#footnote-7)).

اجازه زیارت برای زنان:

احادیثی وجود دارد که بر اساس آن‌ها، به زنان اجازه زیارت قبرها داده شده است.

از جمله: «كُنتُ نهيتُكم عَنْ زيارةِ القُبُورِ، فَزُورُوْهَا فإنَّها تُذَكِّركُم الآخرةَ...»([[8]](#footnote-8)).

یعنی: «شما را پیشتر از زیارت قبور نهی می‌کردم، اکنون (اجازه دارید) قبور را زیارت کنید که همانا زیارت قبور آخرت را به یادتان می‌آورد».

دستور و اذن عام برای زیارت قبور، زنان را هم در برمی‌گیرد.

حضرت عایشهل (از پیامبرص) سؤال نمود به هنگام زیارت قبور چه بگوییم؟ پیامبرص فرمود: بگو:

«السَّلاَمُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بَكُمْ للاَحِقُونَ»([[9]](#footnote-9)).

«سلام بر شما مؤمنان و مسلمانانی که ساکن این دیار هستید، خداوند بر گذشتگان و آیندگان از ما رحم بفرماید و ما به خواست خداوند به شما خواهیم پیوست».

اجازه زیارت برای مردان و زنان:

رسول خداص فرمود: «كُنتُ نهيتُكم عَنْ زيارةِ القُبُورِ، فَزُورُوْهَا» «که شما را از زیارت قبر باز داشته‌ام پس آن را زیارت کنید» که علت نهی این بود که دَرِ پرستش قبرها، باز نگردد، پس وقتی که اصول اسلامی استقرار یافت و نفوس بر تحریم عبادت غیرالله اطمینان نمود اجازه به زیارت قبرستان رسید و علت تجویز اینست که زیارت فایده بسیار خوبی را در بر دارد و آن اینست که مرگ را به یاد می‌آورد و آن سبب نیکویی، برای پند پذیری است که دنیا محل گذر است. زیرا باید برای اهل قبرستان چنین دعا بخواند «السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَلاَحِقُونَ نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ»([[10]](#footnote-10)). و در روایتی دیگر: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ، يَغْفِرُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ، أَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْأَثَرِ»([[11]](#footnote-11)).

در قبرستان نباید جزع و فزع کرد

امام بخاری و مسلم از انس روایت می‌کنند: پیامبرص زنی را مشاهده کرد که در کنار قبری گریه می‌کند فرمود: «‌اتقِي اللهَ واصْبِرِي» تقوی و صبر داشته باش، زن که پیامبر خدا را نشناخته بود پاسخ داد، به تو مصیبتی مانند مصیبت من نرسیده است، و بعد از رفتن پیامبرص به زن گفته شد که ایشان پیامبر خدا بودند، زن به منزل پیامبرص رفت و عرض کرد: شما را نشناختم. پیامبرص فرمود:

«إنّما الصبر عِندَ الصّدمة الْاُولى» «صبر، همان است که در آغاز مصیبت، باشد». در اینجا می‌بینیم که پیامبر خداص زن را از جزع و فزع منع می‌کند اما او را از زیارت منع نفرمود([[12]](#footnote-12)).

نهی و منع رسول الله از داد و فریاد (جزع و فزع):

روایت است: عن عائشهل قالت: لَمَّا جَاءَ رَسُولَ اللَّهِص قَتْلُ ابْنِ حَارِثَةَ وَجَعْفَرِ بْنِ أَبِى طَالِبٍ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَوَاحَةَ جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِص يُعْرَفُ فِيهِ الْحُزْنُ قَالَتْ: وَأَنَا أَنْظُرُ مِنْ صَائِرِ الْبَابِ - شَقِّ الْبَابِ - فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ نِسَاءَ جَعْفَرٍ وَذَكَرَ بُكَاءَهُنَّ فَأَمَرَهُ أَنْ يَذْهَبَ فَيَنْهَاهُنَّ فَذَهَبَ فَأَتَاهُ فَذَكَرَ أَنَّهُنَّ لَمْ يُطِعْنَهُ فَأَمَرَهُ الثَّانِيَةَ أَنْ يَذْهَبَ فَيَنْهَاهُنَّ فَذَهَبَ ثُمَّ أَتَاهُ فَقَالَ: وَاللَّهِ لَقَدْ غَلَبْنَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَتْ: فَزَعَمَتْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِص قَالَ: «اذْهَبْ فَاحْثُ فِى أَفْوَاهِهِنَّ مِنَ التُّرَابِ»([[13]](#footnote-13)).

یعنی: «عایشهل می‌فرماید: هنگامی که خبر شهادت زید بن حارثه، جعفر بن أبی طالب و عبدالله بن رواحه به رسول اللهص رسید ایشان در مسجد نشست و آثار غم و اندوه، از چهره‌اش نمایان بود. عایشهل می‌گوید: من از شکاف در، نگاه کردم شخصی نزد رسول الله آمد و از گریه و فغان (ناله) زن‌های خانه جعفر س خبر داد، رسول اللهص به او امر کرد تا آن‌ها را از گریستن باز دارد آن شخص رفت اما دیری نگذشت که دوباره آمد و گفت: آنان به حرف من گوش نمی‌کنند رسول اللهص بار دیگر فرمود: آنان را منع کن. آن شخص رفت و بار سوم برگشت و گفت: ای رسول خدا! آنان بر ما غلبه کردند. رسول اللهص فرمودند: در دهانشان خاک بریز» (یعنی به هر صورت که شده است آنان را از این کار بازدار فتح الباری)([[14]](#footnote-14)).

کسی که بر سر و صورت خود بزند، از ما نیست:

روايت است: عَنْ عبداللهس قالَ: قالَ النَّبيُّص: «ليسَ مِنَّا مَنْ لَطَمَ الْخُدودَ، وشَقَّ الْجُيوبَ، ودَعا بدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ»([[15]](#footnote-15)).

 یعنی: «عبدالله بن مسعودس روایت می‌کند که رسول الله فرمود: کسی که هنگام مصیت به سر و صورت خود بزند و گریبانش را پاره کند و سخن جاهلی بر زبان آورد، از ما نیست»([[16]](#footnote-16)).

حضرت رسول اکرمص در وقت وفات به حضرت زهرال دستور داد که بعد از وفات من بر سر و صورت خود نزن و موها را آویزان مکن و با ویل و عویل فریاد نزن، و زن نوحه گر دعوت مکن([[17]](#footnote-17)).

ممنوعیت کندن مو هنگام مصیبت:

«عن أَبي مُوسَى س أنه وَجِعَ وَجَعًا شَديدًا فَغُشِي عَلَيْهِ وَرَأْسُهُ في حَجْرِ امْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِهِ، فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَرُدَّ عَلَيْها شَيْئًا؛ فَلَمَّا أَفاقَ قَالَ أَنا بَرِيءٌ مِمَّنْ بَرئَ رَسُولُ اللهِص إِنَّ رَسُولَ اللهِص بَرِئَ مِنَ الصَّالِقَةِ وَالْحالِقَةِ وَالشَّاقَّةِ»([[18]](#footnote-18)).

یعنی: «از ابوموسیس روایت است که او بیمار شد و از شدت بیماری بیهوش گشت در حالی که سرش، روی زانوی همسرش، قرار داشت و همسرش با صدای بلند گریه می‌کرد. ابوموسی نتوانست جلوی گریه او را بگیرد. اما هنگامی که به هوش آمد، گفت: من بیزارم از کسانی که رسول خداص از آن‌ها بیزاری کرده است.

پیامبر خداص از زنانی که (هنگام مصیبت) با صدای بلند گریه می‌کنند و گریبان چاک (پاره می‌کنند) می‌دهند و موهای سرش را می‌کنَند، اعلام برائت (دوری و بیزاری) نمود»([[19]](#footnote-19)).

زیاده روی در زیارت:

زیارت گورستان برای یادآوری آخرت است و این کار برای مرد و زن فرقی ندارد و مردان بیشتر از زنان بدین یادآوری نیازمند نمی‌باشند. گروهی زیارت گورستان را برای زنان مکروه می‌دانند زیرا شکیبایی آن‌ها اندک و جزع و فریادشان بسیار است. و در حدیثی هم به روایت احمد و ابن ماجه و جامع ترمذی آمده است: «لَعَنَ اللهُ زوّارات القبورِ» یعنی «نفرین بر زنان زیارت کننده قبور». قرطبی گفته است: لعنت و نفرین در این حدیث متوجه زنانی است که فراوان به زیارت قبور روند، چون کلمه «زوارات» صیغه مبالغه است و شاید بدین جهت باشد که موجب تضییع حق شوهر و خودنمایی می‌گردد و بسیار فریاد و زاری می‌کنند و امثال این‌ها.

گاهی گفته می‌شود که اگر این مطالب نباشد اشکالی ندارد، چون برای مردان و زنان یاد مرگ نیکو است. شوکانی گفته است: با این توجیه قرطبی تناقض ظاهر احادیث از میان می‌رود([[20]](#footnote-20)).

از ساختن مسجد و درست کردن بنا، بر قبرها نهی و منع شده است

به مقتضای احادیث صحیح و صریح بنای مساجد بر گورها و روشن کردن شمع و چراغ بر آن‌ها حرام می‌باشد.

رسول اکرمص (درودخدا و فرشته گان براوباد) به حضرت علی کرم الله وجهه دستور فرمودند: و ایشان نیز به ابوهیاج اسدی گفتند:

«ألَا أبْعَثُكَ عَلَى ما بَعَثَنِي عَلَيه رَسُولُ اللهِ ج اَنْ لَا تَدَعَ تِمثَالاً إلَّا طَمَستَهُ وَلَا قَبْراً مُشْرِفاً إلَّا سَوَّيَتُه»([[21]](#footnote-21)).

«آیاتو را برآنچه پیامبرص مرا برآن فرستاده، بفرستم و آن این که هر مجسمه‌ای را دیدی آن را از بین ببر، و هر قبر بلند شده‌ای دیدی باخاک یکسان کن([[22]](#footnote-22))». و رسول خداص از اینکه قبر گچکاری بشود، یا بنایی روی آن ساخته بشود، یا کسی روی آن بنشیند نهی فرمود:

«لا تُصلّوا إلى القُبُورِ ولَا تَجِلسْوا عليها»([[23]](#footnote-23)) یعنی: «به سوی قبرها نماز نخوانید و روی آن‌ها ننشینید». و در روایتی دیگر «لَا تَجْلِسُوا على القبور ولا تُصلوا إليها»([[24]](#footnote-24)).

زیرا این وسیله‌ای است که مردم قبرها را معبود قرار می‌دهند، و در به جای آوردن تعظیم آن‌ها بیجا افراط می‌کنند، پس بدین شکل در دین خود تحریف به وجود خواهند آورد، همچنانکه اهل کتاب چنین کردند، که آن حضرتص نسبت به آن‌ها فرمود: «لَعَنَ اللهُ اليهود والنّصارى اِتَخَذُوا قُبُور أَنبيائِهِمْ مَساجِدَ»([[25]](#footnote-25)).

یعنی: «خداوند نفرین و لعنت کند یهود و نصاری را که قبور انبیاء خود را به صورت مسجد (پرستشگاه) در آوردند و آن را عبادتگاه ساختند»([[26]](#footnote-26)).

باز رسول الله فرمودند: «قاتَل اللهُ اليهودَ اتَّخَذُوا قبورَ أَنبيائِهِم مَساجِدَ»([[27]](#footnote-27)).

یعنی: «مرگ بر یهود و از (رحمت خدا) بدور باشند که قبور پیامبران خود را عبادتگاه و مسجد ساختند».

امام بخاری و مسلم از حضرت عایشهل روایت کرده‌اند که، ام‌حبیبه و ام‌سلمه بر پیامبرص از کلیسایی سخن گفتند که آن را در حبشه دیده و در آن تصاویری زده شده بود. پیامبرص گفت: «إِنَّ أُولَئِكَ إِذَا كَانَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ فَمَاتَ بَنَوْا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا، وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّوَرَ، فَأُولَئِكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»([[28]](#footnote-28)).

یعنی: «بی‌گمان آنان هرگاه مرد صالحی در میانشان می‌مرد بر قبر او مسجد و عبادتگاهی می‌ساختند و اینگونه تصاویر را در آنجا می‌کشیدند، اینان روز قیامت نزد خداوند بدترین مردم هستند». صاحب کتاب المغنی گفته است: جایز نیست که قبور را به صورت عبادتگاه و مسجد درآورد، زیرا پیامبرص گفته است: «لَعَنَ اللهُ زَوَّاراتِ القبور([[29]](#footnote-29)) والمُتَّخِذاتِ عَلَيْهنِّ المساجد والسُّرجُ»([[30]](#footnote-30)). یعنی: «خداوند لعنت کند زنانی را که به زیارت قبور می‌روند و آنجا را عبادتگاه ساخته و شمع و چراغ روشن می‌کنند».

امام نسائی در متن سنن نسائی به جای «لَعَنَ اللهُ» «لَعَن رَسُولُ اللهِ» آورده است، اگر اینکار مباح می‌بود پیامبر آنگونه اشخاص را لعن و نفرین نمی‌کرد. بعلاوه در این کار اضاعه مال بدون فایده می‌باشد.

و در تعظیم و بزرگداشت قبور افراط و زیاده روی خواهد شد و شبیه به بت پرستی است و ساختن مساجد در قبور هم بنا به همین روایت جایز نیست. و پیامبرص گفته است: «لَعَنَ اللهُ اليهود اتَّخذوا قبور أَنبيائِهِم مَساجِدَ» که ما را بر حذر می‌دارد از اینکه بمانند آنان رفتار کنیم. این حدیث بین محدثین متفق علیه است([[31]](#footnote-31))، البته زنان نباید رفت و آمد زیادی به قبرستان داشته باشند، زیرا تردد و رفت و آمد زنان به قبرستان، موجبات خلاف شریعت، مانند: نوحه، اظهار زینت و آرایش و تفریحگاه قراردادن قبرستان و تضییع وقت را فراهم می‌سازد. همانطور که این کارهای خلاف شرع در بسیاری از کشورهای اسلامی مشاهده می‌شود. و ان‌شاء الله منظور این حدیث مشهور:

«لَعَن رسول اللهص (في لفظ لَعَن الله) زَوّارات القبور».

«رسول اللهص (و خداوند) زنانی را که بکثرت به زیارت قبور می‌روند، لعنت کرده است».

همین است چنانکه صیغه مبالغه «زوارات»، بدان اشاره دارد([[32]](#footnote-32)).

حکم نماز خواندن به سوی قبر:

رسول اللهص از خواندن نماز به سوی قبور، منع کرده و فرموده‌اند: «لَا تُصَلّوا إلى القبور ولَا تَجلِسوا عَلَيها». (روایت امام بخاری ومسلم).

یعنی: «به سوی قبرها نماز نخوانید و روی آن‌ها ننشینید»([[33]](#footnote-33)). امام نووی/ این قول را ترجیح می‌دهد و می‌گوید: رو به قبور نمودن در نماز بمعنی تعظیم فوق العاده قبور است و تعظیم نهایی شایسته خداوند است. در جای دیگر می‌گوید: این کار مکروه است. اگر کسی به قصد تبرک رو به سوی قبور، نماز بخواند بدعتی را در دین بوجود آورده است که خداوند اجازه ایجاد آن را نداده است. مراد کراهت تنزیهی است([[34]](#footnote-34)).

سفر به قصد قبرها

قال رسول اللهص: «لا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلاَّ إِلَى ثَلاثَةِ مَسَاجِدَ» یعنی: «نباید بقصد عبادت و زیارت جز به سه مسجد بار سفر بسته شود» همچنین پیامبر گرامی مسجد خودش را بعد از بیت الله الحرام دومین مسجد از مساجد سه گانه‌ای نام برده‌اند که بار سفر بستن تنها برای زیارت آن‌ها را جایز فرموده‌اند زیرا می‌فرمایند:

«لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إلَّا إلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ، وَمَسْجِدِي هَذَا، وَالْمَسْجِدُ الْأَقْصَى»([[35]](#footnote-35)).

یعنی: «تنها برای سه مسجد بار سفر بسته می‌شود، مسجدالحرام، این مسجد (مسجد نبوی) و مسجد الأقصی (بیت المقدس)».

در روایتی دیگر با این الفاظ آمده است: «إِنَّمَا يُسَافَرُ إِلَى ثَلاَثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْكَعْبَةِ وَمَسْجِدِيْ وَمَسْجِدِ إِيلِيَاءَ»([[36]](#footnote-36)).

اما در سایر احادیث وارده در باره فضیلت زیارت قبر رسولص امر به سفر برای زیارت نشده است. ضمناً اینگونه احادیث، یا ضعیف هستند و یا موضوع و در خور استدلال نیستند. اکثر مردم تفاوت میان مسئله زیارت و مسئله سفر برای زیارت را نمی‌دانند، لذا مفهوم و روش حدیث را به گونه‌ای جلوه داده‌اند که هیچ گونه دلیلی بر آن وجود ندارد([[37]](#footnote-37)).

به همین خاطر رفتن به زیارت مسجد رسول خداص برای قیام به نماز و ذکر و دعا و تقرب به خداونـد برای کسانی که امکــان چنین کاری داشته باشند، بسیار مطلوب است([[38]](#footnote-38)).

مردم دوران جاهلیت به قصد زیارت اماکن مقدسه مسافرت می‌کردند و به زعم خود از آن‌ها تبرک می‌جستند، طبیعی است که در این عمل نوعی تحریف و فساد است که برای همگان روشن است. رسول خداص راه فساد را مسدود کرد تا امور و شعائر غیر دینی به امور و شعائر دینی بهم آمیخته نشوند و همچنین، این عمل واسطه‌ای برای عبادت نگردد، و من بر این باورم که قبر و محل عبادت هر ولی از اولیاالله و کوه «طور» و به طور یکسان، مشمول نهی میباشند و دارای یک حکم هستند([[39]](#footnote-39)).

این نکته فراموش نشود که نهی مذکور شامل سفر برای تجارت و طلب علم نیست زیرا، سفر برای رسیدن به نیازهای مذکور (تجارت و طلب علم) انجام می‌گیرد نه برای رفتن به قصد احترام مکانی مخصوص. هم چنین مسافرت برای زیارت و دیدار برادر دینی مشمول نهی نیست. همان طور که شیخ الإسلام ابن تیمیه در فتاوی (ج 2 / 186) فرموده است([[40]](#footnote-40)).

فضیلت نماز در مسجد الحرام و مسجد نبوی مدینه:

از جابر س روایت است: پیامبر خداص فرموده: «**صلاةٌ فِي مسجدي هذا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صلاة فيما سِواهُ. إلاّ الْمسجدِ الحَرامَ وَصَلاةٌ فِي المسجد الحرام أَفْضَلَ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلاةٍ فيما سِواهُ**»([[41]](#footnote-41)).

یعنی: «نماز در مسجد من در مدینه ثواب و پاداش بیش از یک هزار نماز در غیر از مسجدالحرام را دارد و یک نماز در مسجد الحرام پاداش برابر یکصد هزار نماز در غیر آن را دارد».

رسول خدا ص در مورد منزلت مسجد نبوی می‌فرماید:

«صلاةٌ في مَسْجِدِي هذا خيرٌ مِنْ أَلْفِ صَلاةٍ فِيما سَواهُ، إِلاَّ المَسْجِد الحرام». (روایت امام بخاری و مسلم).

یعنی: «یک نماز در مسجد من ثوابش از هزار نماز در سایر مساجد با ارزشتر است، به جز نماز در مسجدالحرام» و احادیثی در مورد فضیلت نماز در بیت المقدس آماده است که نماز در بیت المقدس پانصد برابر خواندن در دیگر مساجد است. بغیر از، مسجدالحرام و مسجدالنّبی([[42]](#footnote-42)).

فضیلت مسجد قبـا:

رسول اکرمص چهار روز در قباء، اقامت گزید و آنجا مسجدی بنا نهاد، سپس صبح روز جمعه از آنجا حرکت کرد و هنگام نماز به محله «بنی سالم بن عوف» رسید و نماز جمعه را در آنجا اقامه فرمود([[43]](#footnote-43))، و این اولین مسجدی است که پیامبر خداص آن را تأسیس نموده اند، چنانچه خداوند در مورد آن می‌فرماید: ﴿لَّمَسۡجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقۡوَىٰ مِنۡ أَوَّلِ يَوۡمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِۚ فِيهِ رِجَالٞ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُطَّهِّرِينَ١٠٨﴾ [التوبة: 108]. یعنی: «مسجدی (مانند مسجد قباء) که از روز نخست بر پایه تقوا بنا گردیده است، سزاوار آنست که در آن بر پای بایستی و نماز بگذاری، و در آنجا کسانی هستند که می‌خواهند خود را پاکیزه دارند و خداوند هم پاکیزگان را دوست می‌دارد».

فضیلت مسجد قبا بسیار است، بنابراین رسول اللهص برای زیارت این مسجد گاهی سواره و گاهی پیاده می‌رفتند و در حدیث آمده است:

«صلاةٌ في مسجد قباء كعمرةٍ»([[44]](#footnote-44)). یعنی: «یک نماز در مسجد قبا مانند یک ادای یک عمره است».

باز در حدیثی فرموده‌اند: «من تطهر في بيته، ثم أتى مسجد قباء فصلى فيه صلاة كان كأجر عمرةٍ»([[45]](#footnote-45)). یعنی: «کسیکه در منزل خود وضو کند و در مسجد قباء یک نماز بخواند ثواب آن مانند یک عمره است»([[46]](#footnote-46)).

«عَنِ ابْنِ عُمَرَب قَالَ: وَ كَانَ يُحَدِّثُ أنَّ رسول اللهِص كَانَ يَزورُهُ راكِباً وماشِياً، قَالَ: وَ كَانَ يَقُولُ: إِنَّما أصْنَعُ كَما رَأيتُ أصحَابي يَصنَعُونَ، وَلا أمنَعُ أحداً أنْ يُصَلَّيَ فِي أيَّ سَاعَةٍ شَاءَ مِنْ لَيْلٍ أونَهَارٍ غَيْرَ أنْ لا تَتَحَرَّوا طُلُوعَ الشَّمْسِ وَلا غُرُوبَهَا» (روایت امام بخاری).

یعنی: «عبدالله بن عمر ب می‌گوید: رسول الله ص گاهی پیاده و گاهی سوار به زیارت مسجد قبا می‌رفت. من همان کاری را انجام می‌دهم که سایر دوستانم می‌کنند. و هیچکس را از خواندن نماز، در سایر اوقات شبانه روز، منع نمی‌کنم. البته هنگام طلوع و غروب آفتاب، نماز نخوانید»([[47]](#footnote-47)).

چگونگی زیارت مسجد پیامبر**ص**:

1. رفتن به مدینه منوره به نیت زیارت مسجد پیامبرص و نماز خواندن در آن در هر وقت سنت است، و بنا به فرموده پیامبرص نماز خواندن در مسجد شریفش از هزار بار نماز خواندن در دیگر مساجد بجز مسجدالحرام بهتر است.
2. باید دانست که برای زیارت مسجد پیامبرص نیاز به احرام بستن و تلبیه گفتن نیست، و نیز زیارت آن با مراسم حج هیچ نوع ارتباطی ندارد.
3. هنگامیکه به مسجد پیامبر رسیدید در وقت داخل شدن به آن پای راست خویش را پیش گذاشته (بسم الله) و صلوات به حضرت پیامبرص بگویید، و نیز از خداوند متعال بخواهید که دروازه‌های رحمت خود را به رویتان باز کند و دعاکنان بگویید:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ([[48]](#footnote-48))، اللهم افتح لي أبواب رحمتك»([[49]](#footnote-49)).

یعنی: «پناه می‌برم به خداوند بزرگ، و روی کریمش و سلطان قدیمش از شر شیطان رانده شده، ای بار خدایا برایم دروازه‌های رحمت خویش را باز فرما».

البته این همان دعایی است که خواندن آن در وقت داخل شدن به همه مساجد سنت است.

1. بعد از داخل‌شدن به مسجد پیامبرص قبل از هرکار دو رکعت نماز تحیه مسجد را ادا کنید، و اگر میسر بود که آن را در روضه مبارک (فاصله بین منزل و منبر پیامبرص) بخوانید خوب است، و اگر میسر نبود می‌توانید آن را در هر جایی از مسجد ادا کنید. بعد از ادای تحیه‌ی مسجد به سوی قبرپیامبرص بروید و رو به روی آن ایستاده با ادب و با آهستگی بگویید: «السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته»([[50]](#footnote-50)). و نیز بر آن حضرتص صلوات و درود بگویید، و اگر گفتید: «اللهم آتِ الوسيلة والفضيلة وابعثه المقام المحمود الذي وعدته، اللهم أجزه عن أمته أفضل الجزاء»([[51]](#footnote-51))، اشکالی ندارد.

سپس اندکی به طرف راست رفته و پیش قبر ابوبکرس بایستید و بر وی سلام داده و برایش دعای خیر آمرزش و طلب رحمت کنید.

و بعداً اندکی بسوی راست رفته پیش قبر عمرس ایستاده و بر او نیز سلام داده برایش دعای مغفرت نمایید.

في رواية عن نافع: كان ابن عمر يسلّم على القبر ورأيته مائة مرّة أو أكثر يأتي ويقول: السلام على النبي، السلام على أبي بكر، السلام على أبي، یعنی شارح مؤطّا امام مالک در حدیثی از نافع روایت می‌کند که و می‌گوید: «من عبدالله بن عمر را بیش از صدبار دیدم که در مقابل قبر پیامبرص ایستاده و می‌گفت: السّلام على النبي، السلام على أبي بكر والسلام على أبي (پدرم).

1. چنانچه برای شما سنت است که وضو گرفته به زیارت مسجد قبا بروید و در آنجا نماز بخوانید، زیرا که پیامبرص چنان کرده و دیگران را بر آن تشویق فرموده است.
2. و نیز زیارت قبرهای اهل بقیع، قبر عثمانس و شهدای اُحد، قبر حمزهس سنت است، وقتی که به زیارت آن‌ها می‌روید برایشان سلام داده دعا کنید و از خداوند متعال برای آنان طلب مغفرت نمایید، زیرا که پیامبرص آن‌ها را زیارت نموده و برایشان دعا می‌فرمود و آن حضرتص به یارانش تعلیم داده است که هنگام زیارت قبرها بگویند: «السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَلاَحِقُونَ نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ» (روايت مسلم).

باید در اینجا گفت: که در مدینه منوره مساجد و جاهای دیگر غیر از آنچه که گفته شد محل زیارت نیست که زیارت آن مشروع باشد، پس خویشتن را با بجا آوردن کارهائی که در آن برایتان پاداش ثوابی حاصل نمی‌شود به زحمت و تکلیف نیاندازید بلکه شاید هم با بجا آوردن چنین اعمالی که مشروع نشده است گنهکار شوید([[52]](#footnote-52)).

کارهایی را هنگام زیارت مسجدالنبی نباید انجام داد:

دست‌زدن به دیوارها و میله‌های آهنین در وقت زیارت قبر پیامبرص و بستن تارها و پارچه‌ها در پنجره‌ها به قصد تبرک از اشتباهات و خطاهایی است که بعضی از زائرین‌ مرتکب آن می‌شوند.

لمس کردن روضه مبارک، بوسیدن آن و طواف به دور آن بدعت منکر است و از سلف صالح نقل نشده است، و اگر هدفش از طواف به دور آن تقرب و نزدیکی به پیامبرص باشد، پس آن شرک اکبر است.

طواف فقط به دور بیت الله امر گردیده است که خداوند چنین می‌فرماید: ﴿وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ٢٩﴾ [الحج: 29].

یعنی: «و طواف کعبه را گردخانه عتیق (بیت الحرام) بجا آورند».

رفتن به غارها در کوه احد، غار حراء و غار ثور ‌در مکه مکرمه، و بستن پارچه‌ها در نزدیکی آن‌ها (اگر چنانچه قصد دیدن آثار وحی و مکان‌های نزول وحی باشد اشکالی ندارد و لاغیر مشروع نیست) و دعا نمودن به دعاهایی که خداوند متعال به آن اجازه نداده است و تحمل سختی در رفتن به این جاها همه بدعت هایی است که در شرع مقدس اصل و اساسی ندارد.

ـ زیارت بعضی جاهایی که بعضی‌ها گمان می‌کنند که از آثار پیامبرص می‌باشد، مانند جای زانو زدن شتر پیامبر، چاه خاتم، و چاه عثمان و گرفتن خاک از آنجا به نیت تبرک تمامی این‌ها مشروع نیست.

* برای هیچکس جایز نیست که از پیامبرص نیازمندی‌های خویش را بخواهد و یا از آن حضرتص بخواهد که مشکلاتش را حل کند و در سختی‌ها او را یاری دهد، خواستن چنین اموری از پیامبرص همه شرک است.
* زندگانی پیامبرص در آرامگاهش زندگی برزخی بوده و از نوع زندگیشان قبل از رحلتشان نیست، و زندگانی است که بجز خداوند متعال چگونگی و کیفیت آن را کسی نمی‌داند.
* متوجه ساختن دعا «یعنی خواستن نیازمندی‌ها در دعا» به مردگان در وقت زیارت قبرهای بقیع و قبرهای شهدای احد و انداختن پول نزد آن‌ها به قصد تبرک و تقرب به اهل این قبرها از اشتباهات بس بسیار بزرگی است، بلکه بنا به گفته اهل علم و دلالت قرآن شریف و سنت پیامبرص از شرک اکبر به شمار می‌رود، زیرا که عبادت و پرستش تنها مخصوص خداوندأ است و اداء نمودن عبادتی از عبادات چون دعا، قربانی، نذر و غیره برای غیر خداوند مشروع و جایز نیست، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ﴾ [البينة: 5]. ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ﴾ [البينة: 5]. یعنی: «و امر نشدند مگر براینکه خدا را خالصانه و بدون انحراف عبادت کنند»([[53]](#footnote-53)).

و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا١٨﴾ [الجن: 18].

یعنی: «و آنکه مسجدها خاص برای خداست پس مخوانید با خدا هیچ کسی را»([[54]](#footnote-54)).

فضیلت منزل و منبر رسول الله**ص**:

رسول الله ص فرموده است: «مَا بيْنَ بَيْتِي وَمَنَبري روُضةٌ مِنْ رياضِ الْجَنَّةِ». (روایت متفق علیه).

«فاصله بین منزل و منبر من باغی است از باغ‌های بهشت».

ایشان در جای دیگر فرموده‌اند: «مَا بيْنَ بَيْتِي وَمَنَبري روضةٌ مِنْ رياضِ الْجَنَّةِ ومنبري على حوضي»([[55]](#footnote-55)) «میان خانه من و منبرم باغی است از باغ‌های بهشت و منبرم برحوض قرار گرفته است»([[56]](#footnote-56)).

پس از معنی و مفهوم احادیث گذشته دانستیم که رسول خداص از سفر زیارت به قصد عبادت به غیر از سه مسجد منع و نهی کرده است، فقط فضیلت مسجدها را بیان فرموده‌اند پس زیارت به قصد عبادت با توجه به احادیث رسول الله و یا قربت به قصد عبادت از نظر شرع حرام و هیچ عبادتی نزد خداوند متعال مقبولیت ندارد مگر اینکه صاحب شرع در مورد آن اجازه داده باشد. والله اعلم.

زندگان با مردگان برابر نیستند

براساس نص صریح قرآن و سنت، زندگان با مردگان برابر نیستند، همانطوری که نابینا با بینا و نور با تاریکی و سایه با بادگرم، چون خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ١٩ وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا ٱلنُّورُ٢٠ وَلَا ٱلظِّلُّ وَلَا ٱلۡحَرُورُ٢١ وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَحۡيَآءُ وَلَا ٱلۡأَمۡوَٰتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُسۡمِعُ مَن يَشَآءُۖ وَمَآ أَنتَ بِمُسۡمِعٖ مَّن فِي ٱلۡقُبُورِ٢٢﴾ [فاطر: 19-22].

یعنی: «نابینا و بینا برابر نیست و نه تاریکی و روشنایی. و نیز سایه و باد گرم. و زندگان و مردگان برابر نیستند بیگمان خداوند هرکس را بخواهد می‌شنواند، و تو شنواننده خفتگان در گور نیستی».

بعضی گمان می‌برند که، اولیاءالله و یا انسان‌های متّقی و پرهیزکار می‌شنوند، دلایل‌شان بر حدیث زیر که ما آن را از دو صحیح یعنی صحیح امام بخاری و امام مسلم استخراج کرده در اینجا عین حدیث می‌آوریم که پیامبرص بر اهل قلیب چه گفته و منظور از گفتن آن چه بوده است؟، و در صحیحین آمده است:

«**أنَّ ابْنَ عُمَرَ**ب **أخْبَرَهُ قال: اطَّلَعَ النّبيُ** ج **على أهلِ القَليبِ، فقالَ: وَجَدتُم ما وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقّاَ؟ فَقيل لهُ: أتَدعو أمْواتا؟ فقالَ: ما أنتم بأسمع منهم، ولكن لا يجيبون**»([[57]](#footnote-57)). «از ابن عمرب روایت است، گفت: پیامبرص بر اهل قلیب نگریست و فرمود: آیا آنچه را که پروردگارتان به شما وعده داد حق یافتید؟ به پیامبرص گفته شد: آیا مردگان را ندا می‌کنی؟ فرمود: شما از آنان شنونده‌تر نیستید اما آنان نمی‌توانند جواب دهند».

«عَن عائِشَةل قَالتْ: إِنَّما قالَ النَّبيُّص: إنَّهم ليعلمون الآن أنَّ ما كنتُ أقُولُ حَقٌّ» وقد قال الله تعالى: **﴿**إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى**﴾** [النمل: 80]. ([[58]](#footnote-58)).

یعنی: «حضرت عایشهل فرمود: همانا پیامبر ص فرمود: آنان اکنون به تحقیق می‌دانند آنچه من می‌گفتم حق است و خداوند گفته است: تو نمی‌توانی به مردگان بشنوانی».

منظور حضرت عایشهل این است که پیامبرص مردگان را مورد خطاب و ندا قرار نداد چون خداوند می‌فرماید که: «مردگان نمی‌شنوند» بلکه منظور ایشان این بود که این مردگان اکنون در عالم برزخ دریافته‌اند که سخنان من (پیامبرص) حق بوده است.

بعضی‌ها تصور می‌کنند مردگان می‌شنوند غافل از فرموده رسول الله در کنار چاه بدر قرار گرفت و خطاب به کشته‌های مشرکین گفت: آنان می‌دانند که آنچه من به آنان می‌گفتم حق بوده است: «وَذَاكَ مِثْلُ قَوْلِهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِص قَامَ عَلَى الْقَلِيبِ يَوْمَ بَدْرٍ وَفِيهِ قَتْلَى بَدْرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَهُمْ مَا قَالَ: «إِنَّهُمْ لَيَسْمَعُونَ مَا أَقُولُ». وَقَدْ وَهَلَ إِنَّمَا قَالَ: «إِنَّهُمْ لَيَعْلَمُونَ أَنَّ مَا كُنْتُ أَقُولُ لَهُمْ حَقٌّ». ثُمَّ قَرَأَتْ **﴿**إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى**﴾ ﴿**وَمَآ أَنتَ بِمُسۡمِعٖ مَّن فِي ٱلۡقُبُورِ٢٢**﴾** [فاطر: 22] ([[59]](#footnote-59)).

و این مانند این گفته ابن عمرب است که: رسول خداص بر روی چاه بدر در روز بدر قرار گرفت در حالی که درون چاه کشته‌های مشرکین در بدر قرار داشتند و به آنان گفت: که آنان آنچه را که من می‌گویم می‌شنوند» عایشه گفت: ابن عمر اشتباه کرده بلکه پیامبر فرمود: «آنان می‌دانند که آنچه من به آنان می‌گفتم حق بوده است سپس این آیه را تلاوت کرد: «همانا نمی‌توانی به مردگان بشنوانی» [النمل: 80] «و تو نمی‌توانی به کسانی که در قبرها هستند بشنوانی» [فاطر: 22].

آیا می‌توانیم از مردگان طلب شفاعت کنیم؟

تصور افراطی از شفاعت، که از قیاس جهان دیگر بر این جهان به این صورت که در جهان آخرت نیز مانند همین جهان، سلسله مراتبی از بالا به پایین خویش و بیگانه و آشنا و ناآشنا وجود دارد و بالانشین‌ها برای نزدیکان و خویشان و افراد گروه وابسته به خود شفاعت و پا در میانی می‌کنند و آنان را از گناهان کبیره و صغیره پاک کرده و راهی بهشت می‌نمایند و شفاعت عام خاتم النبیینص شامل حال تمام گناهکاران امتش اعم از گناهان کبیره و صغیره می‌شود. اما این تصور واهی و افراطی در بارۀ شفاعت دروازۀ تمام جرائم و گناهان کبیره را بدون هیچ عیب و رعب و هراسی بر روی گناهکاران می‌گشاید. و اعتقادی شبیه مسیحیان که چون مسیح قربانی معاصی پیروانش گشته است آنان از ارتکاب گناهان کبیره هراسی ندارند، در میان مسلمانان نیز پدید می‌آید. قرآن کریم چنان تصوری از شفاعت را شدیداً رد کرده و فرموده است: اولاً در جهان دیگر چنین نیست که هر نیک مردی هرگاه بخواهد بتواند مقام شفیع شدن را دارا باشد، و شفاعتی را به عمل آورد بلکه تنها کسانی می‌توانند مقام شفاعت کننده را دارا باشند که از جانب خدا دستور عینی به آنان داده شود:

﴿لَّا يَمۡلِكُونَ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحۡمَٰنِ عَهۡدٗا٨٧﴾ [مريم: 87]. «یعنی هیچکس دارای توان شفاعت کردن نیست مگر کسانی که عیناً از خدا دستور می‌گیرند و برای این کار مأموریت پیدا می‌کنند». و ثانیاً در جهان دیگر چنین نیست که شفاعت کننده برای هرکس بخواهد شفاعت کند، بلکه شفاعت کردن هریک از شفیعان مقید است به اینکه خدا عیناً آن شخص و آن جرم را برای او معین نماید ﴿لَا تُغۡنِي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡ‍ًٔا إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ أَن يَأۡذَنَ ٱللَّهُ لِمَن يَشَآءُ وَيَرۡضَىٰٓ٢٦﴾ [النجم: 26].

یعنی: «شفاعت آنان سودی نمی‌بخشد و کاری نمی‌سازد مگر بعد از آنکه خدا اذن و فرمان دهد برای کسی که می‌خواهد و (از اینکه برای او شفاعت کنند) راضی است».

خلاصه در جهان دیگر برخلاف این جهان([[60]](#footnote-60))،شفاعت از بالا به پایین است و شفاعت در آخرت از آن خداست و به قول قرآن کریم ﴿قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗاۖ﴾ [الزمر: 44]. و چنین شفاعتی در جهان دیگر قطعاً وجود دارد، اما شفاعت به صورتی که دراین جهان دیده می‌شود، که ردیف معامله‌ها و دوستی‌ها و روابطی خارج از حدود ضوابط تحقق می‌یابد، در جهان دیگر قطعاً وجود ندارد:

﴿يَوۡمٞ لَّا بَيۡعٞ فِيهِ وَلَا خُلَّةٞ وَلَا شَفَٰعَةٞۗ﴾ [البقرة: 254].

«روزی فرا میرسد که در آن روز نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه شفاعتی وجود نخواهد داشت»([[61]](#footnote-61)).

عرب‌ها معنی (لا إلَهَ إلا الله) را می‌فهمیدند ولی دانستند هرکس گوینده آن باشد، باید عبادت غیر خدا را ترک گوید. ولی امروزه بعضی از مسلمانان معنی آن را نمی‌فهمند (معنای آن این است که هیچ معبود بحقی جز الله وجود ندارد) و بدین خاطر به زبان‌هایشان می‌گویند: «لا إله إلا الله» و با افعال‌شان آن را نقض می‌کنند، بطوری که غیرخدا را فرا می‌خوانند و احکام و دستورات خود را از غیر شریعت خداوند می‌گیرند و چه بسا برای غیر خداوند نذر می‌کنند و اعمال شرک آلود دیگر مرتکب می‌شوند.

برحذر داشتن از اعمال شرک آلودی مانند دعا و فراخوندن غیرخدا که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَدۡعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَۖ فَإِن فَعَلۡتَ فَإِنَّكَ إِذٗا مِّنَ ٱلظَّٰلِمِينَ١٠٦﴾ [يونس: 106].

«و بجای خدا کسی و چیزی را پرستش مکن و به فریاد مخوان که به تو نه سودی می‌رساند و نه زیانی. اگر چنین کنی از مشرکان و ستمکاران خواهی شد».

ابطال این عقیده که برخی به زعم خود به اولیاء توسل می‌جستند و فکر می‌کردند با فراخواندن آن‌ها به قرب الهی نائل خواهند آمد و این اولیاء و بزرگان در نزد خداوند برایشان شفاعت خواهند نمود. خداوند در رد چنین تفکری خطاب می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ مَا نَعۡبُدُهُمۡ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلۡفَىٰٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ فِي مَا هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ كَٰذِبٞ كَفَّارٞ٣﴾ [الزمر: 3].

«کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را می‌گیرند (و بدان قرب و توسل می‌جویند، می‌گویند:) ما آنان را پرستش نمی‌کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند، خداوند روز قیامت میان ایشان (و مؤمنان) درباره چیزی که در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد. خداوند دروغگوی کفر پیشه را هدایت و رهنمود نمی‌کند».

خداوندأ در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡ وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِۚ قُلۡ أَتُنَبِّ‍ُٔونَ ٱللَّهَ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ١٨﴾ [يونس: 18].

«اینان غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه بدیشان زیان می‌رسانند و نه سودی عائدشان می‌سازند، و می‌گویند: این‌ها میانجی‌های ما در نزد خدایند، بگو: آیا خدا را از وجود چیزهائی (بنام بتان و انبازهای یزدان) باخبر می‌سازید که خداوند در آسمان‌ها و زمین سراغی از آن‌ها ندارد؟ خداوند منزّه و فراتر از آن چیزهائی است که مشرکان انبازشان می‌دانند».

هرکس بخشی از عبادت مانند دعا را به غیر خدا اختصاص دهد ولو اینکه هدفش تقرب به خداوند باشد و یا طلب شفاعت از دیگران در نزد خداوند کند، محکوم به کفر و شرک است با نهایت تأسف امروزه این تفکر در نزد بسیاری از مسلمانان گسترش یافته و هنگامی که از مسلمانان می‌پرسی که: چرا اولیاء را فرا می‌خوانید و به آن‌ها توسل می‌جویید؟!.

به تو جواب می‌دهند که: می‌خواهم توسط آن‌ها به خدا تقرب جویم تا در نزد خداوند مرا شفاعت کنند! ([[62]](#footnote-62)).

اکنون با توجه به آیات محکم خداوند متعال هیچکس بدون اجازه او نمی‌تواند کسی را شفاعت کند به آیات در این مورد توجه کنید‌.

﴿قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗاۖ﴾ [الزمر: 44].

«بگو (ای رسول:) شفاعت تنها از آن خداست (در اختیار خداوند است)».

﴿مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ﴾ [البقرة: 255].

یعنی: «کیست که بدون اجــازه او بتواند نــزد او (برای دیگران) شفاعت کند؟».

﴿وَلَا يَشۡفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ﴾ [الأنبياء: 28].

یعنی: «بجز آن‌هایی که خداوند راضی است، شفاعت نمی‌نمایند».

﴿فَمَا تَنفَعُهُمۡ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ٤٨﴾ [المدثر: 48].

یعنی: «شفاعتِ شفاعت‌کنندگان سودی برای آن‌ها در بر نخواهد داشت».

پس با این حساب انسان نمی‌داند که خداوند از چه کسی راضی است، و از چه کسی راضی نیست، چون انسان قدرتی بر دانستن غیب ندارد، عالم به غیب فقط خداوند متعال است چنانچه می‌فرماید:

﴿قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ﴾ [النمل: 65].

«بگو: هرآنچه در آسمان‌ها و زمین است غیب را نمی‌داند مگر خداوند».

(شفاعت) جز با رضایت خداوند هیچگونه شفاعتی وجود ندارد، و شفاعت تنها برای خدا پرستان اهل توحید است و در آنجا (آخرت) هیچ چیز بجز سعی و تلاش انسان برای او مفید واقع نمی‌شود و بار گناه هیچکس را بر دوش دیگری نمی‌گذارند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰ٣٨ وَأَن لَّيۡسَ لِلۡإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ٣٩﴾ [النجم: 38-39].

یعنی: «اینکه هیچکس بارگناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد، و اینکه پاداش و بهره‌ای برای انسان نیست جز آنچه که خود برای آن کوشش کرده باشد»([[63]](#footnote-63)).

وظایف پیامبران

وظیفه پیامبران با توجه به آیات تنها بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده هستند، و خداوند متعال در این خصوص چنین می‌فرماید: ﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗاۚ وَإِن مِّنۡ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٞ٢٤﴾ [فاطر: 24]. «ما تو را به حق مژده رسان و هشدار دهنده فرستادیم، و امتی نیست مگر آنکه در میان آنان هشدار دهنده‌ای بوده است».

﴿رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ [النساء: 165].

یعنی: «پیامبرانی بشارت دهنده و هشدار دهنده».

خداوند متعال به پیامبر اکرمص چنین می‌فرماید:

﴿إِنۡ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ٢٣﴾ [فاطر: 23].

«تو فقط هشدار دهنده هستی».

حتی خداوند متعال به این موضوع نیز اشاره می‌نماید که پیامبران مسئولیت دعوت به توحید را دارند اما هدایت یافتن انسانها در اختیار ایشان نیست. و سلطه‌ای بر قلب آدمیان ندارد.

﴿فَذَكِّرۡ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٞ٢١ لَّسۡتَ عَلَيۡهِم بِمُصَيۡطِرٍ٢٢﴾ [الغاشية: 21-22].

«تذکر بده و یاد آوری کن، تو تنها تذکر دهنده هستی، و بر ایشان سلطه‌ای نداری»([[64]](#footnote-64)).

درگاه خداوند همیشه باز است

قرآن راه‌های ارتباطی خداوند را با بندگانش گشوده است، و برای دلاّلی و واسطه‌گری کسانی که می‌خواهند ارتباط میان خالق و مخلوق را در اختیار بگیرند و احتکار نمایند و این توهْم را در اذهان مردم به وجود بیاورند که بجز از طریق آن‌ها نمی‌توان با خداوند پیوند و ارتباط پیدا کرد، هیچ جایگاهی قائل نمی‌شود. درگاه خداوند برای همۀ کسانی که آهنگ او کنند، باز است و دست‌های او در خیر رسانیدن و در جهت منفعت و مصلحت همۀ کسانی که در برابرش دست به دعا برمیدارند گشاده است؛ همچنان که خود می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ﴾ [البقرة: 186]([[65]](#footnote-65)).

«هرگاه بندگانم در مورد من از تو سئوال کنند، بگو که: به راستی من (به ایشان) نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامیکه مرا بخواند پاسخ می‌گویم».

اضافه‌کردن عباد به خود، پاسخ رویاروی و بدون واسطه خدا بدیشان، بدین معنی که نفرمود: به آنان بگو: من نزدیکم... بلکه خداوند بزرگوار خودش و به مجرد درخواست بندگان، پاسخ آنان را عهده دار گردید و گفت: نزدیک هستم... و نگفت: دعا را می‌شنوم... بلکه در پاسخ‌دادن به ندا و دعا شتاب به کار برد و گفت: ﴿أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ﴾ «دعای دعا کننده را هنگامی که مرا بخواند پاسخ می‌گویم» کار حیرت انگیز و آیه شگفت آوری است... آیه‌ای است که به دل شخص ایماندار، شادابی فرح افزا و مهرخوگرانه و خوشنودی آرام بخش‌ و ‌اعتماد و یقین می‌بخشد... و مؤمن با داشتن این‌ها، در آستان رضایت، و جوار شادی و ‌نشاط، و پناهگاه امن و امان، و قرارگاه محکم و استوار می‌زید.

در سایه این انس محبت آمیز، و نزدیکی مهربیز، و پاسخ‌گویی الهام انگیز، خداوند بندگان خویش را فرا می‌خواند تا دعوت او را بپذیرند و فرمانش را لبیک گویند، و اوامر او را بپذیرند و راه راست گیرند و راهیاب و رهنمون گردند. بر ایشان لازم است که او را به کمک بطلبند و در برآوردن درخواست خویش شتاب نورزند. زیرا خداست که به درخواستشان در وقت مناسبی که برابر سنجش حکیمانه‌اش مشخص داشته است پاسخ می‌گوید و دعایشان را اجابت می‌فرماید.

در صحیح بخاری و مسلم آمده است که رسول خداص فرموده است:

«يستجاب لأحدكم ما لم يجعل يقول: دعوت فلم يستجيب لي».

یعنی: «دعای کسی که از شما پذیرفته می‌شود که شتاب نورزد (بدین معنی که) بگوید: دعا کردم و نیــاز خواستم اما دعــایم پذیرفته نشد و نیازم برآورده نگردید»([[66]](#footnote-66)).

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ﴾ [غافر: 60].

«و پروردگارتان گفت، مرا بخوانید تا دعایتان را مستجاب کنم»([[67]](#footnote-67)).

﴿وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ١٦﴾ [ق: 16].

«ما از شاهرگ گردن به او (انسان) نزدیکتریم».

همچنین خداوند متعال، راه و رسم گروهی از مردم را در هویت و شخصیت انسانی خود را از دست می‌دهند و دنباله‌رو دیگران می‌شوند، مذموم و ناپسند می‌شمارد:

﴿وَقَالُواْ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعۡنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠٦٧﴾ [الأحزاب: 67].

یعنی می‌گویند: «پروردگارا، ما از پیشوایان و بزرگان خود اطاعت و پیروی کردیم و آنان ما را دچار گمراهی نمودند»([[68]](#footnote-68)).

با توجه به مطالب گذشته آیا می‌توان از کسی غیر از خدا (اعم از مرده و زنده) تبرک جست؟

یکی دیگر از بدعت‌های تازه به وجود آمده تبرک به مخلوقین است که نوعی از انواع بت پرستی است و حقه‌ای است که با آن غارتگران، اموال مردم ساده لوح را به چنگ خود در می‌آورند، و تبرک یعنی طلب برکت و آن قرار دادن خیر در چیزی و زیاد کردن آن است ولی این کار در توانایی کسی است که مالک آن باشد و برآن توانایی داشته باشد که فقط خدای سبحان است که آن توانایی را دارد. او است که برکت را می‌فرستد و آن را ثابت نگه می‌دارد، اما خداوند متعال در قرآن کریم تمامی دَر ِخیر و برکت و شر و تمامی افزودنی‌ها و کم و زیاد کردن روزی و رزق، بخشیدن فرزند دختر و پسر، بغیر از خودش بسته و اوست برهمه کس و همه چیز احاطه دارد، در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١﴾ [الإسراء: 1].

«پاک و منزه است خدایی که (در مبارک شبی) بندۀ خود (‌محمد‌) را از مسجد الحرام به مسجدالاقصایی که پیرامونش را مبارک (پربرکت) و پرنعمت ساختیم، سیر داد تا آیات خود را به او بنماید که خدا به حقیقت شنوا و بیناست»([[69]](#footnote-69)).

﴿لِّلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثٗا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ٤٩ أَوۡ يُزَوِّجُهُمۡ ذُكۡرَانٗا وَإِنَٰثٗاۖ وَيَجۡعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًاۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٞ قَدِيرٞ٥٠﴾ [الشورى: 49-50].

«خداست تنها مالک زمین و آسمان‌ها هرچه بخواهد می‌آفریند و به هرکه خواهد فرزند دختر و به هرکه خواهد فرزند ذکور (پسر) عطا می‌کند، یا در یک رحم دو فرزند پسر و دختر قرار می‌دهد و هرکه را خواهد عقیم می‌گرداند که او دانا و تواناست»([[70]](#footnote-70)).

﴿وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٖ مَّعۡلُومٖ٢١﴾ [الحجر: 21].

«و هیچ چیز در عالم نیست جز آنکه منبع و خزینه آن‌ها نزد ما خواهد بود. (ولی از آن بر عالم خلق) إلا به قدر معین که مصلحت است نمی‌فرستیم»([[71]](#footnote-71)).

﴿وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَسۡكَنَّٰهُ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابِۢ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ١٨﴾ [المؤمنون: 18].

«و ما برای شما آب را بقدر معین از آسمان نازل و او را ساکن در زمین ساختیم و محققاً بر نابود ساختن آن نیز قادریم»([[72]](#footnote-72)).

﴿فَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ٢٨٤﴾ [البقرة: 284].

«آنگاه هرکه را خواهد ببخشد و هرکه را خواهد عذاب کند و خداوند بر هر چیز تواناست»([[73]](#footnote-73)).

﴿۞وَلَوۡ بَسَطَ ٱللَّهُ ٱلرِّزۡقَ لِعِبَادِهِۦ لَبَغَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٖ مَّا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرُۢ بَصِيرٞ٢٧﴾ [الشورى: 27].

«لیکن روزی خلق را به اندازه‌ای که بخواهد نازل می‌گرداند خدا به احوال بندگانش بصیر و آگاه است»([[74]](#footnote-74)).

﴿وَكُلُّ شَيۡءٍ عِندَهُۥ بِمِقۡدَارٍ٨﴾ [الرعد: 8].

«و مقدار همه چیز در علم ازلی خدا معین است»([[75]](#footnote-75)).

﴿وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ قَدَرٗا مَّقۡدُورًا٣٨﴾ [الأحزاب: 38].

«و فرمان خدا حکمی نافذ و حتمی خواهد بود»([[76]](#footnote-76)).

اما مخلوق نه توانایی اعطای برکت و بوجود آوردن آن را دارد و نه توانایی ابقاء و ثابت نگه داشتن آن (و نام خداوند متعال خود صاحب برکت است و تبارک اسم ربک ذی الجلال والإکرام).

پس تبرک جستن به اماکن و آثار و اشخاص زنده و مرده با توجه به نصوص صریح آیات قرآن حرام ‌است، چون حضرت رسول اللهص از آن نهی کرده و فرموده: «وإيَّاكُمْ مُحدثاتِ الاُمُور فَإنْ كُلَّ مُحَدَّثةٍ بِدْعَةٌ وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالةٌ([[77]](#footnote-77))، وَكُلِّ ضَلَاَلةٌ فِي النَّار([[78]](#footnote-78))، لَعَنَ اللهُ اليهود والنصارى اتخذوا قبور أنبيائهم المساجد».

اگر معتقد باشد آن شیء اعطای برکت می‌کند، شرک است و اگر معتقد باشد که زیارت و لمس و مسح کردن آن سبب حصول برکت از طرف خداست در این حالت وسیله‌ای برای رسیدن به شرک است امّا آنچه اصحاب نسبت به پیامبرص انجام می‌دادند مانند تبرک جستن به موی پیامبرص و آب دهان و آنچه از جسمش جدا می‌شد ـ همانطور که قبلاً گفته شد ـ خاص پیامبرص در حال حیات و وجودش بین آن‌ها است. چون اصحابش، به خانه و قبر او بعد از وفاتش تبرک نمی‌جستند و به اماکنی که پیامبرص در آنجا نماز خوانده بود یا نشسته بود تبرک نمی‌جستند.

بنابراین تبرک جستن به مقامات اولیاء به طریق اولی درست نیست، اصحابش به اشخاص صالحی مانند ابوبکر، عمر و سایر بزرگان صحابه نه در حیات و نه بعد از مرگ آنان تبرک نمی‌جستند و به غار نمی‌رفتند تا در آنجا نماز بخوانند یا دعا کنند. به کوه طور (جایی که خداوند با موسی صحبت کرد)، نمی‌رفتند تا آنجا نماز بخوانند و دعا کنند یا به کوه‌هایی نرفتند که گفته می‌شد آنجا محل اقامت پیامبران یا افرادی دیگر است یا به جایی نمی‌رفتند که محل اجتماع مردم باشد و روی اثر و علامتی از پیامبران بناء درست کرده باشند. هیچکدام از سلف مکانی را که پیامبرص مکه و سایر اماکن نماز می‌خواند، نمی‌بوسیدند و به آن سلام نمی‌کردند. پس وقتی پیامبرص برای امتش مشروع نکرده جایی را که قدم بر آن گذاشته و روی آن نماز خوانده مسح کنند و ببوسند، محل خواب و نماز غیر او به طریق اولی نباید بوسیده شود یا مسح شود علماء از عمل ضروری دین اسلام فهمیده‌اند که بوسیدن و مسح کردن این چیزها از شریعت پیامبرص نیست([[79]](#footnote-79)). این است دلیل ما از قرآن وسنت پیامبرص.

والحمد لله رب العالمین

منابع کتاب

1. قرآن کریم
2. تفسیر فی ظلال القرآن ـ شهید سیدقطب، نشر احسان.
3. صحیح بخاری ـ محمدبن اسماعیل بخاری.
4. صحیح مسلم ـ مسلم بن حجاج نیشابوری.
5. سنن ترمذی ـ محمد بن عیسی ترمذی.
6. سنن نسایی ـ احمد بن علی.
7. سنن ابوداود ـ سلیمان بن اشعث سجستانی.
8. سنن ابن ماجه ـ محمد بن یزید بن ماجه.
9. مسند احمد ـ امام ابو عبدالله بن محمد بن حنبل شیبانی (امام حنبل).
10. مختصر صحیح بخاری ـ عبداللطیف الشرجی الزبیدی مترجم عبدالقادر ترشابی. انتشارات حرمین.
11. اللؤلؤ والمرجان ـ محمد فوأد عبدالباقی ـ مترجم ابوبکر حسن‌زاده ـ نشر احسان.
12. فقه السنة ـ دکتر سیدسابق ـ مترجم: دکتر محمد ابراهیمی انتشارات سقز.
13. سیر تحلیلی کلام اهل سنت از حسن بصری تا ابوالحسن اشعری، ملا عبدالله احمدیان نشر احسان.
14. قرآن شناسی ـ محمد بن جمیل زینو، مترجم یونس یزدان پرست و محمد آزاد شفیعی، نشر احسان.
15. نبی رحمت، سید ابوالحسن ندوی، مترجم مولانا محمدقاسم قاسمی، انتشارات شیخ الإسلام.
16. منهاج المسلم (کلیات اسلام) ـ شیخ ابوبکر جزایری ـ مترجم: عبدالعزیز سلیمی انتشارات احسان.
17. کتاب المسجد وبیت المسلم ـ شیخ ابوبکر جزایری مترجم: سعید فاضلی ـ انتشارات جامعه الأحناف تایباد.
18. حجة الله البالغة ـ الإمام دهلوی ـ ترجمه: محمد یوسف حسین پور ـ انتشارات شیخ الإسلام احمد جام.
19. کیف نتعامل مع القرآن العظیم (قرآن منشور زندگی) دکتر یوسف قرضاوی ـ ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان.
20. كيف نتعامل مع السنة النبوية (فهم صحیح سنت) دکتر یوسف قرضاوی ـ ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان.
21. صفة صلاة النبي ـ محمد ناصر الدین آلبانی ـ مترجم: عبدالله ریگی احمدی ـ نشر حرمین.
22. الدرالثمین فی سیرة سیدالمرسلین ـ عبدالرشید نعیمی.
23. سنت و بدعت ـ دکتر یوسف قرضاوی، نشر سنت تایباد.
24. کتاب التوحید، صالح بن فوزان بن عبدالله-مترجم: محمد انصاری ناشرمترجم.
25. دلیل الحاج والمعتمر وزائر مسجدالرسولص ـ مجموعه من العلماء ـ مترجم: ممتاززاده (راهنمای حج و عمره و زیارت مسجد رسول اللهص).
26. شهسوار کربلا، تألیف مولانا عبدالرحمان سربازی، انتشارات صدیقی.
27. احکام جنایز، شیخ محمد ناصرالدین آلبانی، عبدالله ریگی احمدی، نشر حرمین.
1. - به نقل از احکام جنایز، ص 150. [↑](#footnote-ref-1)
2. - مسلم 2146، نسائی 1628 و 2036 ، ابن ماجه 1547 و امام احمد 23101. [↑](#footnote-ref-2)
3. - فقه السنة، ج 2 ، ص 1089. [↑](#footnote-ref-3)
4. - ترمذی 1054. [↑](#footnote-ref-4)
5. - فقه السنة، ج 2، ص 1089. [↑](#footnote-ref-5)
6. - مسلم2144، نسائی 2035، امام احمد 94479 و 24529 و 24855 و 25526. [↑](#footnote-ref-6)
7. - فقه السنة، ج 2، ص 1089. [↑](#footnote-ref-7)
8. - مسلم 2149، ترمذی1055، ابی داود 3698، نسائی 2028، ابن ماجه 1571،‌ امام احمد 23077 و 23078 و 23114. [↑](#footnote-ref-8)
9. - مسلم 2145، ابی داود 3237، ابن ماجه 1928، نسائی 2033، امام احمد 25913. [↑](#footnote-ref-9)
10. - مسلم 2146، ابن ماجه 1547، نسائی 2036، امام احمد 23101 [↑](#footnote-ref-10)
11. - ترمذی 1054، حُجة الله البالغة، ج 2، 94. [↑](#footnote-ref-11)
12. - فهم صحیح سنت ، ص 124 . روایت حدیث بین محدثین متفق است بخاری 1302 ، مسلم 2023 و 2024، ابی داود 3124، ترمذی 988، نسائی 1565، امام احمد 12319 و 12460 و 13272. [↑](#footnote-ref-12)
13. - بخاری 1295، مسلم 2049 ، ابی داوود 3122 ، نسائی 1849. [↑](#footnote-ref-13)
14. - مختصر صحیح بخاری ج 1 ص 376. [↑](#footnote-ref-14)
15. - بخاري 1298، مسلم 103 ، ترمذي،1000 ، نسائي1862 ، ابن ماجه 1584 ، مسنداحمد 4111 . [↑](#footnote-ref-15)
16. - مختصر صحیح بخاری . ج 1 ص 373. [↑](#footnote-ref-16)
17. - شهسوار کربلا، ص 54، به نقل از کتاب فروغ کافی، ج 2، ص 214. [↑](#footnote-ref-17)
18. - امام بخاری1296، نسائی1865 ابن ماجه 1585 قال فی زوائد اسناد صحیح. [↑](#footnote-ref-18)
19. - مختصر صحیح بخاری، جلد 1، ص 375. [↑](#footnote-ref-19)
20. - فقه السنة، جلد 2، ص 1092. [↑](#footnote-ref-20)
21. - مسلم 2132، ترمذی 1050، ابی داوود 3218، نسائی 2033، حاکم 1/369، امام احمد 741و1074، وسائل الشیعة: 2/869 و 3/62 حدیث حضرت علی حدیث حَسَنْ است. [↑](#footnote-ref-21)
22. - سنت این است که قبور به اندازۀ یک وجب از سطح زمین مرتفع و برجسته باشد ر.ک به احکام جنایز، ص 157. [↑](#footnote-ref-22)
23. - مسلم 2140، نسائی 762. [↑](#footnote-ref-23)
24. - مسلم 2139، ابی داود 3229، ترمذی 1052. [↑](#footnote-ref-24)
25. - بخاری 1390، مسلم 1071 و 1073، مسند احمد 8796. [↑](#footnote-ref-25)
26. - حجة الله البالغة، ج 2 ، ص 91 . [↑](#footnote-ref-26)
27. - بخاری 437، مسلم 1072، ابی داود 3227، مسند احمد 7831 و 7836 و 9857 و 9155 و 10720. [↑](#footnote-ref-27)
28. - بخاری 427 و 434 و 1341 و 3878، مسلم 1068، نسائی 700، مسند احمد 24306. [↑](#footnote-ref-28)
29. - لفظ این حدیث در بین محدثین متفق است. ابی داود 3236، ترمذی 320 و 1058، نسائی 2042، ابن ماجه 1574 و 1575، مسند احمد 15657 و 2030. [↑](#footnote-ref-29)
30. - ابوداود 3236. [↑](#footnote-ref-30)
31. - فقه السنة، ج 2، ص 1067. [↑](#footnote-ref-31)
32. - احکام جنایز، ص 144. [↑](#footnote-ref-32)
33. - صفة صلاة النبی، ص 55. [↑](#footnote-ref-33)
34. - احکام جنایز ص159. [↑](#footnote-ref-34)
35. - بخاری 2895، ابی داود 2033، نسائی 696، امام احمد 7253. [↑](#footnote-ref-35)
36. - امام بخاری، مسلم و اصحاب سنن. [↑](#footnote-ref-36)
37. - احکام جنائز ص175. [↑](#footnote-ref-37)
38. - کلیات اسلام، ص 349 ، اللؤلؤ والمرجان ج 2 ص 150، الدرثمين في سيرة سيدالمرسلين ، ج 2، ص 154. [↑](#footnote-ref-38)
39. - حجة الله البالغة، ج 1، ص 547. [↑](#footnote-ref-39)
40. - احکام جنائز ، ص 176. [↑](#footnote-ref-40)
41. - بخاری 1190، 3264، مسلم 3269، ابن ماجه 1404 و 1405، نسائی 2899 و 2900 ، مسند احمد 15271. [↑](#footnote-ref-41)
42. - اللؤلؤو المرجان، ج 2، ص 150 ـ کلیات اسلام ، ص 349 ـ الدرالثمین فی سیرة سیدالمرسلین ، ج 2، ص 154. [↑](#footnote-ref-42)
43. - نبی رحمت، سید أبوالحسن ندوی، ص 187. [↑](#footnote-ref-43)
44. - ابن ماجه 1411 و ترمذی 324. [↑](#footnote-ref-44)
45. - ابن ماجه 1412، نسائی 695، مسند احمد 15981. [↑](#footnote-ref-45)
46. - الدرثمين في سيرة المرسلين، ج 2، ص 137. [↑](#footnote-ref-46)
47. - مختصر صحیح بخاری، ج 1، ص 354. [↑](#footnote-ref-47)
48. - ابی داود 446. [↑](#footnote-ref-48)
49. - ابی داود 465، نسائی 731، ابن ماجه 772، امام احمد 16057. [↑](#footnote-ref-49)
50. - ر.ک ـ احکام جنایز ص 166 و 167، به نقل از الاقتضاء. [↑](#footnote-ref-50)
51. - بخاری 614، ترمذی 211، ابی داود 529، نسائی 682، ابن ماجه 722. [↑](#footnote-ref-51)
52. - رهنمای حج و عمره، ص 53- 49. [↑](#footnote-ref-52)
53. - اقتباس ترجمه آیات مهدی الهی قمشه‌ای. [↑](#footnote-ref-53)
54. - رهنمای حج و عمره، ص 71.. [↑](#footnote-ref-54)
55. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-55)
56. - مختصر صحیح بخاری ، ج 2 ، ص 354 ـ اللؤلؤ والمرجان ، ج 2 ، ص 150 ـ الدرثمین ، ج 2 ، ص 154. [↑](#footnote-ref-56)
57. - بخاری 1370. [↑](#footnote-ref-57)
58. - بخاری 1371. [↑](#footnote-ref-58)
59. - مسلم 2042. [↑](#footnote-ref-59)
60. - وارونه کردن فرضیه شفاعت، برای حلّ کلیه مشکلات، دقیقاً عملکرد «کپرینک» و «کانت» را به یادمان می‌آورد . ر . ک ـ سیر تحلیلی کلام اهل سنت، ص 380. [↑](#footnote-ref-60)
61. - سیرتحلیلی کلام اهل سنت از حسن بصری تا ابوالحسن اشعری، ص 380- 397 ، مؤلف: ملا عبدالله احمدیان. [↑](#footnote-ref-61)
62. - قرآن شناسی، صص 52 ، 53، 54. [↑](#footnote-ref-62)
63. - كيف نتعامل مع القرآن العظيم (قرآن منشور زندگی)، ص 130. [↑](#footnote-ref-63)
64. - همان منبع ، ص 126. [↑](#footnote-ref-64)
65. - همان منبع، ص 123. [↑](#footnote-ref-65)
66. - تفسیر فی ظلال القرآن، ج 1 ، ص 472- 474. [↑](#footnote-ref-66)
67. - قرآن منشور زندگی ص123. [↑](#footnote-ref-67)
68. - همان منبع ، ص 133. [↑](#footnote-ref-68)
69. - اقتباس از ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. [↑](#footnote-ref-69)
70. - همان منبع. [↑](#footnote-ref-70)
71. - همان منبع. [↑](#footnote-ref-71)
72. - همان منبع. [↑](#footnote-ref-72)
73. - همان منبع. [↑](#footnote-ref-73)
74. - همان منبع. [↑](#footnote-ref-74)
75. - همان منبع. [↑](#footnote-ref-75)
76. - همان منبع. [↑](#footnote-ref-76)
77. - مسلم و اصحاب سنن ـ حافظ ابن رجب در شرح اربعین می‌گوید: فرمودۀ پیامبرص «كلّ بدعة ضلالة» از عبارت‌های جامعی است که هیچ استثنائی نمی‌پذیرد و این اصل بزرگ از اصول دین است، فرقی ندارد که در مسایل اعتقادی باشد یا اعمال و اقوال ظاهری و باطنی. ر . ک . به الاعتصام امام شاطبی ( 2/37 ). [↑](#footnote-ref-77)
78. - نسائی، ابن خزیمه به سند صحیح. [↑](#footnote-ref-78)
79. - کتاب التوحید، ص 303- 299. [↑](#footnote-ref-79)